

گذری بر سانسور در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی

نویسنده: مرضیه خالویی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی mamar83_kh@yahoo.com

چکیده

هر جامعه‌ای با وجود حداقلی از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌تواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، ارزش‌هایی که به عنوان آرمان مشترک مورد وفاق اکثریت آحاد یک جامعه قرار می‌گیرد. حراست از این ارزش‌ها، صرفنظر از این‌که بر عهده چه نهاد یا گروهی گذاشته شده باشد، اجازه نمی‌دهد که هر ایده و ارزشی در سطح جامعه منتشر شود. سانسور را تفتیش پیش از انتشار کتاب‌ها، جراید و نمایشنامه‌ها؛ تفتیش نامه‌های خصوصی قبل از رسیدن به مقصد و یا تفتیش نطق و بیان قبل از ایراد، به‌منظور آنکه مندرجات آنها مضر اخلاق عمومی یا منافع دولت یا دستگاه حاکم نباشد، تعریف نموده‌اند. در این مقاله هدف آن است که سانسور، انواع آن و کاربرد آن در کتابداری و اطلاع‌رسانی شرح داده شود.

کلید واژه‌ها

سانسور، انواع سانسور، سانسور مخفی، سانسور - خدمات کتابداری

مقدمه

محدودیت بیان در شکل‌های مختلف در همه جوامع وجود داشته است. محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مذهبی، اخلاقی، سیاسی و... در طول تاریخ بشر از کانون‌های مختلف اجتماعی بر صورت‌های بیان مکتوب و غیرمکتوب اعمال شده است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که پدیده‌ای به نام سانسور به معنای عام خود، یعنی هرگونه محدودیت بیانی یکی از پایدارترین پدیده‌های اجتماعی است.

هر جامعه‌ای با وجود حداقلی از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌تواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، ارزش‌هایی که به عنوان آرمان مشترک مورد وفاق اکثریت آحاد یک جامعه قرار می‌گیرد. حراست از این ارزش‌ها، صرفنظر از این‌که بر عهده چه نهاد یا گروهی گذاشته شده باشد، اجازه نمی‌دهد که هر ایده و ارزشی در سطح جامعه منتشر شود. بنابراین می‌توان گفت نفس زندگی اجتماعی و آرمان مشترک با نوعی محدودیت بر بیان و انتشار آراء همراه است که ذاتی هر نوع جامعه است و ارتباطی با نوع جامعه ندارد. این محدودیت که از آن به عنوان کنترل فرهنگ می‌توان یاد کرد، از یک نگاه صورتی از کنترل اجتماعی است که در عرصه ویژه معانی و ارزش‌ها انجام می‌شود و از جهتی با اشکال دیگر کنترل اجتماعی وجه مشترک دارد و ارتباطی با نوع جامعه ندارد (رجب زاده ۱۳۸۰).

آنچه به عنوان ممیزی یا سانسور از آن یاد می‌شود، در بعضی کاربردهای آن با مفهوم کنترل مساوی است، اما در معانی خاص تر، باید آن را شکلی از کنترل بیرونی فرهنگ دانست. صرف نظر از نگاه انتقادی به سانسور، می‌توان آن را ساز و کاری تعادل بخش برای نظام اجتماعی دانست که از گسستگی و ایجاد شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی جلوگیری می‌کند.

تعریف سانسور

تفتیش پیش از انتشار کتاب‌ها، جراید و نمایشنامه‌ها؛ تفتیش نامه‌های خصوصی قبل از رسیدن به مقصد؛ و یا تفتیش نطق و بیان قبل از ایراد، به‌منظور آنکه مندرجات آنها مضر اخلاق عمومی یا منافع دولت یا دستگاه حاکم نباشد سانسور نام دارد (سینائی ۱۳۸۵، ۳۶). در دایره‌المعارف بزرگ علوم اجتماعی سانسور چنین تعریف شده است: "سانسور اصولاً عبارتست از سیاست محدود کردن بیان افکار و عقاید و مقررات و محرک‌هایی که واقعاً یا احتمالاً دارند قدرت حاکم یا نظم اخلاقی را که قدرت حاکم خود را موظف به حفظ و حمایت از آن می‌داند زیرو کنند" (Abraham 1968, 356).

در فرهنگ فارسی معین سانسور چنین تعریف شده است: تفتیش و مراقبت مطالب کتب، جراید و فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها به وسیله دولت و حذف مطالبی که ضد منافع دولت است (فرهنگ فارسی ۱۳۸۱). سانسور ماهیتاً از زندگی اجتماعی ناشی می‌شود، زیرا لازمه این نوع زندگی نهی از بعضی از مسائل است و سانسور نوعی نهی و بازداشتن است.

سانسور معمولاً به‌وسیله مقامات دولتی یا دینی و گاه به‌وسیله گروه‌های فشار یا مقتدر اعمال می‌شود در فارسی برای سانسور مترادف‌هایی چون ممیزی، بررسی، تفتیش عقاید، نظارت، و ارزیابی به‌کار رفته است. واژه سانسور از ریشه لاتین Censere به معنای ارزیابی یا Censura به معنای سرکوب اخذ شده است. عده‌ای ریشه کلمه لاتینی Censere را سانسوریتی می‌دانند و آن را اعلام رسمی، توصیف رسمی، ارزشیابی، و ارزیابی معنا کرده‌اند.

در عصر حاضر، سانسور به معنای ایجاد هرگونه اختلال نظام‌مند در فرایند ارتباط از مرحله شکل‌گیری معنا در فرستنده تا پدید آمدن معنا در گیرنده است. بنابراین، شرط تحقق سانسور آن است که افراد، سازمان‌ها یا مقامات دولتی با طرح و برنامه قبلی در روند ارتباط اختلال ایجاد کنند (خسروی ۱۳۸۸).

تاریخچه سانسور

تاریخچه در جهان

سانسور از زمان‌های بسیار دور وجود داشته و برای آن برنامه‌ریزی می‌شده است. در تورات آمده که ارمیای نبی کتابی نوشته بود و تصمیم داشت آن را به پاروخ تقدیم کند ولی چون سلطان وقت با آن مخالف بود آنرا از بین برد. در یونان و روم باستان نیز اعمال سانسور مرسوم بوده است (سینائی ۱۳۷۸، ۳۷).

در قرن پنجم قبل از میلاد در آتن، آناکساگوراس به اتهام بی‌دینی جریمه و تبعید شد و کتاب‌هایش را سوزاندند. کتاب‌های پروتاگوراس نیز به اتهام کفر سوزانده شد. سقراط نیز در ۳۹۹ ق.م. به اتهام بی‌دینی و نفی خدایان حکومتی به مرگ محکوم شد. حال آنکه افلاطون، شاگرد سقراط، سانسور را تأیید کرد و آن را ضروری دانست و در کتاب

جمهوریت خود اظهار داشت که هر آنچه که به زعم او برای جوانان زبانبار باشد، باید منع شود و افسانه‌ها و نمایشنامه‌هایی را که درباره خدایان سخنان خلاف حقیقت بگویند، باید سانسور کرد. طی سده‌های میانه، کتاب و کتابت در اروپا وضعیت اسفباری داشت. در آن دوران، مبارزه با کتاب‌های مغایر با آموزش‌های رسمی کلیسا ممنوع بود. *تلمود*، کتاب مقدس یهود، بارها ممنوع و به آتش کشیده شد. ترجمه کتاب مقدس به زبان‌های ملی ممنوع بود و حتی در برخی موارد در اختیار داشتن این ترجمه‌ها نیز جرم محسوب می‌شد. در ۱۲۹۹م. کلیسای تولوز قرار داد صادر کرد که بر اساس آن کسی حق نداشت متون عهدین را در اختیار داشته باشد، در این میان *سفر مزامیر* را استثنا کرده بودند. همین ممنوعیت بعدها در انگلستان، اسپانیا، و دیگر کشورهای اروپایی اعمال شد در سرزمین‌های اسلامی در زمان حکومت امویان و عباسیان، کسانی که در مخالفت با عقاید رایج و سیاست غالب سخنی بر زبان آورده یا مطلبی می‌نوشتند، جزای بسیار سخت می‌دیدند.

بعد از اختراع چاپ و پدید آمدن چاپخانه‌های بسیار و گسترش روزافزون کتاب، کلیسایان حلقه محدودیت کتاب و کتابت را تنگ‌تر کردند. سرعت گسترش چاپخانه‌ها به حدی بود که کلیسا و مقامات حکومتی را به وحشت انداخت. اینان برای گریز از خطر نشر گسترده تدابیری اندیشیدند و آنها را چندین سده با شدت و ضعف به کار بستند.

سراسقف شهر مانیتس نخستین کسی بود که در ۱۴۸۵م. سانسور پیش از انتشار را متداول ساخت. مقامات حکومتی و کلیسایی این شیوه را به شدت پسندیدند و به کار گرفتند. در مانیتس هیئت‌های زیادی وظیفه مطالعه کتاب پیش از ارسال برای چاپ را برعهده داشتند و چنانچه مطلبی مخالف دین و مصالح حکومت و اخلاق عمومی در کتاب نمی‌یافتند، اجازه چاپ را با عبارت "بلامانع است"، صادر می‌کردند، این رسم هنوز در بسیاری از کتاب‌های دینی در کشورهای کاتولیک بر جای مانده است.

در سده هجدهم، به علت سختگیری‌های هیئت‌های بررسی کتاب، اکثر نویسندگان به خودسانسوری روی آوردند و برای پیشگیری از عواقب و دردسرها، مطلب "مشکل‌ساز" نمی‌نوشتند. کسانی چون ولتر و روسو که زربار سانسور نمی‌رفتند به زندان، تبعید، و مصادره کتاب محکوم شدند. با وجود موفقیت سانسور پیش از انتشار، چاپخانه‌ها و ناشران زیادی بودند که کتاب‌های ممنوع، نظیر کتاب‌های لوتر را چاپ و منتشر می‌کردند. این اقدام، کلیسا را واداشت که عناوین "کتاب‌های خطرناک" را به اطلاع شهروندان برساند تا آنان از خرید، امانت، و مطالعه آنها خودداری کنند و کسانی را که این محدودیت‌ها را نادیده می‌گرفتند به کیفر برساند. در انگلستان، هنری هشتم، لوتر و لوتریان و آثار آنان را خطرناک اعلام و فهرستی از کتاب‌های ممنوعه را منتشر کرد و بسیاری از آنها را سوزاند و حتی دستور قتل توماس مور، ادیب و حکیم برجسته الهی را صادر کرد.

علاوه بر انگلستان، کلیسای رم نیز فهرستی از کتاب‌های ممنوع معروف به "فهرست رم" را در ۱۵۵۷ منتشر کرد. این فهرست توسط دستگاه تفتیش عقاید رم تهیه شده بود و در آن آثار مخالفان سرشناس کاتولیک‌ها از جمله لوتر، و نویسندگان مشهوری چون رابله، دکارت، ولتر، روسو، مونتسکیو، و مانند آن به چشم می‌خورد. افزایش چاپ کتاب‌های مخالف حکومتگران و کلیسایان از یک سو و بی‌اثر شدن تدابیری چون سانسور پیش از انتشار و پس از انتشار و فهرست کتاب‌های ممنوع از سوی دیگر، سبب شد که مقامات حکومتی و دینی به نابودی و سوزاندن نسخه‌های کتاب‌های ممنوع روی آورند. آثار لوتر، کتاب مشهور و تربیتی *امیل*، اثر ژان ژاک روسو، یادداشت‌های بومارشه، و آثار ولتر به دلایل مختلف به آتش کشیده شدند.

در دهه‌های اخیر، اعمال سانسور در جوامع اروپایی فقط با اتکا به قانون و از سوی مقامات قانونی صورت نمی‌گیرد. گروه‌های فشار و انجمن‌های بسیار، بنابه مصالح خود، دست به سانسور می‌زدند (خسروی ۱۳۸۸).

تاریخچه در ایران

سانسور دینی در زمان ساسانیان در ایران به شدت اعمال می‌شد. مزدکیان در زمان قباد پس از آنکه در مباحثه با روحانیان زرتشتی و مسیحی مغلوب شدند، همگی قتل عام شدند و کتاب‌هایشان سوزانده شد. ولی سانسور رسمی در ایران بعد از استفاده از ماشین چاپ و انتشار روزنامه و گسترش آن شکل گرفت. در *روزنامه دولت علیه ایران* اعلانی دولتی مبنی بر لزوم مراقبت و مواظبت در امر چاپ و ممنوعیت چاپ مطالب مستهجن وجود دارد که می‌توان آن را سرآغاز ممیزی رسمی در ایران دانست. در این دوره، نخستین قانون ممیزی وضع شد و اداره سانسور با نام "وزارت انطباعات" به ممیزی تمامی مطبوعات پرداخت و ورود هر نوع مواد چاپی از خارج از کشور تحت نظارت قرار گرفت. در دوره مظفرالدین‌شاه سانسور با فراز و نشیب‌های بسیار همراه بود. در این دوره نه تنها دولت مرکزی سانسور وسیعی اعمال می‌کرد، بلکه نیروهای اشغالگر روس در شمال، و انگلیس در جنوب، مطبوعات محلی را تحت فشار قرار دادند و حتی موجب مهاجرت دیرین آنها شدند. با وجود تمامی این سختگیری‌ها، در این دوره نشریات رونق یافتند و شبنامه‌هایی برای آگاه‌سازی عامه مردم منتشر می‌شد. این انتشارات نقش مهمی در ایجاد انقلاب مشروطیت ایفا کردند.

در دوره پهلوی اول، سانسور همه جانبه وسیعی اعمال می‌شد. تهدید، چوب و فلک، تبعید، و قتل برای خاموشی نویسندگان و روزنامه‌نگاران به کار می‌رفت و نه تنها چاپ مطبوعات، بلکه چاپ هر برگه‌ای منوط به اجازه بازرسی ویژه شهربانی بود و او در بالای صفحاتی که قرار بود چاپ شوند، مهری حاوی کلمه "روا" می‌زد.

قانون "مقدمین بر علیه استقلال و امنیت کشور" مصوب ۱۳۱۰ هرگونه تبلیغ برای مرام اشتراکی و ضدیت با سلطنت را جرم شناخت. همچنین برای جلوگیری از ورود کتاب‌ها و نشریات مخالف چاپ خارج از کشور، مرزها به شدت بازرسی می‌شد و طی آیین‌نامه‌هایی ورود نشریات و کتاب‌های معینی غیرقانونی اعلام شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تأسیس ساواک (= سازمان اطلاعات و امنیت کشور) و برقراری حکومت نظامی طی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۴۱، با وجود سانسور سیاسی وسیع، آزادی نسبی حاکم بر این دوره، به‌ویژه در سال‌های آخر، در مقایسه با دوره بعد وضعیت مطلوب‌تری را فراهم آورده بود. در طی این سال‌ها، وضعیت نشر کتاب مطلوب نبود و توجه جدی به آن نمی‌شد و نشر کتاب‌های سبک و سطحی و ضارزش‌های اخلاقی و مذهبی نیز آغاز شده بود. پرونده‌های موجود نشان می‌دهد که در این دوره، سانسور پیش از انتشار به‌طور جدی اعمال نمی‌شد و اگر پس از نشر کتاب با اعتراض روبه‌رو می‌شدند، آن را بررسی می‌کردند. پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بیشتر سانسورها در حوزه‌های سیاسی، مذهبی، و اجتماعی اعمال می‌شد و بسیاری کسان ممنوع‌القول و ممنوع‌المنبر شدند.

سانسور پیش از انتشار به شکل فراگیر در طی سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۵۷ به شدت صورت می‌گرفت. هر کتاب قبل از انتشار به بهانه گرفتن شماره ثبت کتابخانه ملی، به مرکزی به نام "اداره نگارش" در وزارت فرهنگ و هنر تحویل می‌شد و پس از بررسی و اعمال "اصلاحات" اجازه نشر می‌یافت و یا آن را غیرقابل انتشار تشخیص می‌دادند.

در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ با شروع انقلاب، زمینه آزادی مطبوعات فراهم شد و جرأید با کمترین ممیزی در ماه‌های آخر سال منتشر می‌شدند، اما در مورد کتاب چنین نبود. تنها تحوّل‌هایی که در ماه‌های آخر سال ۱۳۵۷ رخ داد، نشر کتاب‌های موسوم به "جلد سفید" بود که بدون مجوز به چاپ می‌رسیدند و بسیاری از کتاب‌هایی که در گذشته ممیزی معطل مانده بودند به این صورت منتشر شدند و در مواردی اعتراض ناشر اصلی را برانگیختند. بررسی پرونده‌های اداره نگارش آن دوران نشان داده است که تنها سازمانی که رسماً به سانسور بعد از انتشار می‌پرداخته، ساواک بوده است. این سازمان هر کتابی را که مضر تشخیص می‌داد، سریعاً جمع‌آوری و نابود می‌کرد.

در اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران "آزادی نشریات و مطبوعات" به "عدم اخلال در مبانی اسلام یا حقوق عمومی" منوط شده است. در سال ۱۳۶۷ "شورای عالی انقلاب فرهنگی"، به عنوان عالی‌ترین مرجع فرهنگی کشور، در تفصیل این ماده در حوزه کتاب "اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب" را تصویب کرد. در این مصوبه ضمن تأکید بر اهمیت کتاب و آزادی نشر، و تأثیر آن در "اعتدالی فرهنگ، ارتقای سطح دانش، و تعمیق مبانی و ارزش‌های انقلاب" هدف از این مصوبه "تأمین آزادی نشر کتاب، حفظ حرمت و حریت قلم، حراست از جایگاه والای علم و اندیشه، و تضمین آزادی تفکر در جامعه اسلامی" ذکر شده است. سپس این مصوبه ذیل عنوان "اصول و سیاست‌ها" دو سیاست "ایجابی و اثباتی" و "حدود قانونی" را مشخص می‌سازد.

در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در توضیح سیاست‌های ایجابی و اثباتی، دولت و همه ارکان نظام به حمایت از حریم آزادی کتب و نشریات موظف شده‌اند. در توضیح حدود قانونی نیز، مصوبه مشخصات کتاب‌هایی را که شایسته نشر نیست برمی‌شمارد و سپس برای اعمال نظارت بر نشر کتب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به تشکیل هیئت نظارتی متشکل از حداقل پنج نفر صاحب‌نظر و شخصیت علمی و فرهنگی وارد به امور نشر و امور اجتماعی و سیاسی و تبلیغی موظف می‌کند که البته باید صلاحیت آنان به تأیید شورای فرهنگ عمومی برسد. طی دوره‌های مختلف در هیئت نظارت، و روی کار آمدن افراد با اندیشه‌های گوناگون، عملاً نحوه نظارت بر نشر کتاب نیز دچار قبض و بسط فراوان شده است (خسروی ۱۳۸۸).

روش‌های سانسور

دولت‌ها و گروه‌های مختلف، برای اعمال سانسور از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنند. گذشت زمان بر تنوع این شیوه‌ها افزوده است. برخی از این روش‌ها و شیوه‌ها عبارتند از:

۱. سانسور پیشگیرانه (پیش از انتشار). در این روش پیش از ارسال پیام و حتی گاهی در زمان شکل‌گیری پیام، بر آن نظارت می‌شود. در سانسور پیش از انتشار گاهی فقط برخی قسمت‌های پیام حذف می‌شود که به آن "سانسور سلبی" گفته می‌شود. گاهی هم ممیز، تنها به حذف اکتفا نمی‌کند، بلکه دستور می‌دهد که بعضی مطالب موافق نظر خودشان به آن افزوده شود یا تغییر یابد که به آن "سانسور ایجابی" گفته می‌شود.

۲. سانسور پیگیرانه / تعقیبی (پس از انتشار). در این شیوه ابتدا پیام ارسال می‌شود، سپس اگر عواقبی به لحاظ انتشار آن پدید آید یا ارسال آن مغایر با مقررات و موازین قانونی شناخته شود، دستگاه قضایی تخلف را پیگیری می‌کند. این نوع سانسور اگر برخاسته از نهادهای قانون‌گذار مردمی باشد، نه تنها موجب اخلال در ارسال پیام نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود که از سوءاستفاده از آزادی جلوگیری شود.

۳. سانسور قانونی و غیرقانونی. گاهی کنترل و نظارت بر چگونگی ارتباطات در جامعه مبتنی بر تصمیم‌گیری جمعی است. بدین معنی که نهادهای قانون‌گذار متکی بر آرای مردم چگونگی و نحوه نظارت بر آن را تعیین می‌کنند که نظارت قانونی تلقی می‌شود. اغلب کشورها نیز بر اساس دیدگاه‌های حاکم، قوانینی برای سانسور دارند. اما هرگاه حکومت‌ها یا گروه‌های فشار، بدون اتکا به قانون، در جریان ارتباطات اخلال کنند، دست به "سانسور غیرقانونی" زده‌اند.

۴. سانسور رسمی و غیررسمی. در سانسور رسمی حکومت‌ها روندی را برای اعمال نظارت اعلام می‌دارند و به آن عمل می‌کنند. در سانسور غیررسمی به ظاهر حکومت با تحدید آزادی، به هر نوع، اظهار مخالفت می‌کند و قوانین موجود نیز مؤید آزادی هستند، اما کارگزاران حکومت در روند ارتباطات اخلال می‌کنند. نوع اخیر را "سانسور غیررسمی" می‌گویند.

۵. سانسور اقتصادی. این نوع سانسور با دستکاری در بازار و یا گران کردن مصنوعی انتشارات و عدم حمایت دولت از پدیدآورندگان و ناشران صورت می‌گیرد. در دهه ۱۹۵۰ آلدوکس هاکسلی گران شدن کتاب را عامل سانسور و عدم دسترسی خوانندگان به آن می‌داند با گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی، سانسور اقتصادی با شکل دیگری بروز کرده است؛ "گرانی اتصال به شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فقدان دسترسی به ابزار و فناوری ارتباطات موجب دوری جوامع فقیر از جریان ارتباطات جهانی است".

۶. خودسانسوری. هرگونه اخلال نظام‌مند که فرد در تبادل پیام برای خود ایجاد می‌کند و ممکن است از خودآگاه یا ناخودآگاه وی نشأت گرفته باشد خودسانسوری نام دارد. تصورات قالبی، القا، تبلیغ، و عوامل بسیار دیگری ضمن تأثیر بر ناخودآگاه ما را وا می‌دارند که به گونه‌ای خاص بیندیشیم، بنویسیم، و سخن بگوییم. همیشه عامل ناخودآگاه ذی‌تأثیر نیست، بلکه گاهی عوامل سیاسی و اقتصادی نیز می‌تواند علت آن باشد. نتایج پژوهشی که طی سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۵ در ایران صورت گرفته نشان می‌دهد که پدیده خودسانسوری در مطبوعات وجود داشته است و عده‌ای علت آن را نگرانی از عواقب انتشار اطلاعات ذکر کرده‌اند (خسروی ۱۳۸۸).

انواع سانسور

معمولاً سانسور بر مبنای معیارهای خاصی صورت می‌گیرد و از این‌رو انواع گوناگونی دارد:

۱. سانسور سیاسی - اجتماعی. با توجه به پیچیدگی و گستردگی مسائل سیاسی - اجتماعی و نقش اساسی آن در زندگی جمعی انسان، اغلب ممیزی‌ها در این حوزه اعمال می‌شود یا به نوعی با آن در ارتباط است. این نوع سانسور در کشور با استناد به اصل حفظ امنیت ملی و مصالح عمومی صورت می‌گیرد. در سانسور سیاسی -

اجتماعی به دلیل اینکه تصور می‌شود تأثیر یک نوشته ممکن است برای حکومت مشکل ایجاد کند، سانسورکنندگان به حذف و تغییر پیام می‌پردازند و بیشتر به تبعات عملی انتشار یک نوشته تکیه دارند.

۲. سانسور اخلاقی، هرگاه اخلاق با استناد به معیارهای اخلاقی انجام شود، "سانسور اخلاقی" صورت گرفته است. در تاریخ اندیشه، ممیزی اخلاقی یکی از رایج‌ترین ممیزی‌ها بوده است. ممکن است غیرمؤدبانه بودن یک متن، افشای اسرار خانوادگی و فردی، تجاوز به حریم خصوصی افراد، یا هرزه‌نگاری و وقیح‌نگاری محملی برای سانسور اخلاقی ایجاد کند، اما همواره یکی از دلایل سانسور اخلاقی، حفظ و صیانت از اخلاق عمومی است.

۳. سانسور دینی، ادیان همواره تکالیف و ارزش‌هایی را تعیین کرده و مؤمنان را به کارهایی واداشته و از اموری بازداشته‌اند. هرگاه اخلاق در ارتباط (= سانسور) به خاطر ملاحظات دینی و با اتکا به این تکالیف و ارزش‌ها باشد به آن "سانسور دینی" گفته می‌شود. با این انگیزه در غرب مسیحی کتاب‌های بسیاری به‌همراه نویسندگان آن سوزانده شد و در شرق نیز آثار بسیاری نابود شده و حتی مراسم کتاب‌شویان نیز برقرار بوده است. به قول ویل دورانت سانسور و کلیسا هم اندازه کهنسالند (خسروی ۱۳۸۸).

سانسور در خدمات کتابداری

فعالیت‌های اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی اعم از گردآوری، سازماندهی مواد، ذخیره و بازیابی، و اشاعه اطلاعات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در اخلاق در فرایند ارتباط، از مرحله شکل‌گیری معنا و هدف در فرستنده تا پدید آمدن معنا در گیرنده، ایفا کنند. امکان اخلاق در مراحل گوناگون فعالیت‌های کتابخانه‌ای شامل موارد ذیل است (خسروی ۱۳۸۸):

۱. سانسور در مرحله مجموعه‌سازی، مسئولان و کتابداران در بسیاری از کتابخانه‌ها، تصمیم‌گیرندگان نهایی در مورد ورود یا عدم‌ورود یک کتاب به مجموعه هستند. با توجه به محدودیت امکانات و بودجه، کتابدار باید گزینش بپردازد. اصولاً هر انتخاب متضمن گزینش اخلاقی و ارزشی است که شخصیت و نظام ارزشی حاکم بر گزینش‌گر بر آن تأثیر بسزایی دارد. اگر کتابدار صرفاً با تکیه بر ارزش‌های خود و به‌علت مخالف بودن مطالبی با عقیده‌اش کتابی را رد کند، مسلماً انتخاب در آن کتابخانه دچار اخلاق شده و به سانسور تمایل یافته است. همیشه این اخلاق عمومی نیست. گاهی توجه به یک رشته خاص، سانسوری ناخواسته را در یک مجموعه سبب می‌شود. مثلاً تخصص و علاقه یک رئیس کتابخانه به تاریخ باعث می‌شود طی مدت محدودی مجموعه یک‌سویه شده و سمت و سوی تاریخی به خود بگیرد. یکی از توصیه‌های اساسی به کتابداران، پدید آوردن مجموعه‌ای متوازن با توجه به اهداف کتابخانه است که عملاً قضاوت‌های ارزشی و فردی آن را دچار مشکل می‌کند. راهکار مناسب برای ایجاد مجموعه متوازن و جلوگیری از سانسور، تهیه خطمشی مدون و جامع برای انتخاب و تهیه کتاب است هر قدر خطمشی دقیق‌تر و اجرایی‌تر تدوین شود و در حین کار نیز در آن تجدیدنظر شود مسلماً بیشتر می‌تواند از لغزیدن به ورطه سانسور جلوگیری کند. اعضای انجمن کتابداران آمریکا اخلاقاً موظف هستند که در برابر سانسور برنامه‌ها و مواد کتابخانه‌ای در هر شکل آن ایستادگی کنند و از کتابداران و دیگر کارکنانی که با دفاع از خطمشی‌های کتابخانه‌ای در برابر سانسور، شغل خود را به خطر می‌اندازند، پشتیبانی کنند.

۲. سانسور در مرحله سازماندهی مواد. یکی از اهداف سازماندهی مواد، تسهیل دستیابی مراجعان به منابع موردنیاز است. فهرست‌ها و نمایه‌ها با توجه به گستردگی منابع، تنها مدخل ورود به مجموعه کتابخانه است و هرگونه نقص و بی‌دقتی باعث می‌شود در روند اطلاع‌یابی اخلاق ایجاد شود. اگر در یک فهرست تحلیلی، سرعنوان‌های موضوعی متناسب با محتوای موضوعی و به تعداد کافی داده نشود و اگر در یک نمایه برای مقالات، توصیف‌گرها به‌طور دقیق و به تعداد موردنیاز به‌کار نرود، مسلماً مقدمات اخلاق در مرحله بازیابی فراهم آمده است. به‌کارگیری درست و به‌جای این ابزارها و رعایت نیازها و استانداردهای مربوط به هر جامعه می‌تواند در اخلاق‌زدایی نقش اساسی داشته باشد، ولی در این مرحله نیز تأثیرگذار نهایی کتابدار است.

هر موضوع‌دهی نامناسب موجب عدم‌دسترسی درست به منبع خواهد بود و در این مرحله تجربیات، تخصص، و دقت فهرست‌نویس نقش اول را دارد. عواملی مثل تأخیر آگاهانه در سازمان‌دهی، عدم فایل صحیح کتاب‌ها و کارت برگه‌ها، و مانند آن می‌تواند اخلاق‌زا باشد.

۳. سانسور در مرحله امانت. مراجعان کتابخانه بیشترین تماس را با این بخش دارند و اهداف کتابخانه در این مرحله محقق می‌شود. وجود دستورالعمل‌ها و خطمشی مدون و گویا در این مرحله نیز می‌تواند تا حد زیادی از سانسور جلوگیری کند. در این مرحله کتابداران با مشکلاتی روبه‌رو هستند و در مقابل مسائل پیش‌آمده عکس‌العمل‌های مختلفی از خود نشان می‌دهند. امتناع از انتقال درخواست تهیه منابعی که مراجعان خواهان آنند، و جین زودتر از موعد، نگهداری بعضی از کتاب‌های "مسئله‌دار" در اتاقی در بسته و یا قفسه‌ای دور از دسترس و محدود کردن امانت نسخه‌های خریداری شده، فنون متداول سانسور توسط کتابداران در بخش خدمات است.

عواملی که کتابداران را به محدودیت و حذف وا می‌دارد، می‌تواند اعتراضات و فشارهای افراد، گروه‌ها، و دولت‌ها باشد. در عین حال، کتابداران هم می‌توانند با تکیه بر عقاید خویش در دسترسی استفاده‌کنندگان به منابع اختلال پدید آورند و به سانسور دست زنند. گاهی دولت‌ها نیز از روی ملاحظات سیاسی - اجتماعی حذف بعضی کتاب‌ها را از مجموعه‌های کتابخانه‌ها خواستار می‌شوند. انجمن‌های کتابداری سعی کرده‌اند راهکارهای مناسب مقابله با این نوع سانسور را بیابند. گاه نیز اعضای جامعه که گمان می‌کنند به نوعی از وجود بعضی کتاب‌ها لطمه می‌بینند شاکتی می‌شوند و تقاضای حذف بعضی کتاب‌ها را از مجموعه می‌کنند. این تصور که خواندن کتاب‌های غیراخلاقی و هرزه باعث بروز مشکلات رفتاری و حتی جنایت می‌شود، گروه‌های اجتماعی را به دفاع از نوعی سانسور حمایتگر و محافظ برانگیخته است. این گروه‌ها این نوع سانسور را، به‌ویژه برای کتاب‌های کودکان و نوجوانان و در کتابخانه‌های آموزشی ضروری می‌دانند.

مسئولات کتابخانه‌ها باید در مقابل اشخاص یا گروه‌هایی که مایلند کتابخانه را محل اعمال نظر، عقیده و سلیقه خود قرار دهند و کتابخانه را که حاوی مطالب مخالف نظر آنان است از مجموعه خارج کنند و در عوض به تعداد کتابهای مورد علاقه خود بیفزایند، روشی منطقی و ثابت در پیش گیرند و بکوشند مجموعه را از نظر موضوعی متعادل نگه دارند. البته هر چند مسئولان کتابخانه‌ها باید در برابر عقاید متضاد روش، یکسانی در پیش گیرند. این امر بدین معنا نیست که می‌توانند مواد حاوی عقاید افراطی، تبلیغات شدید و یکجانبه و مطالب آمیخته به دروغ و ربا را بپذیرند. چنین موادی

چاپی در کتابخانه ها نخواهند داشت. مسئولان کتابخانه‌ها نخواهند داشت. مسئولان کتابخانه‌ها به منظور مقابله با گروه‌های گوناگون و سانسور باید به نکات ذیل عمل کنند:

- برای هر کتابخانه خط مشی صریحی تهیه و تدوین می‌کنند و سپس آن را به تصویب هیات مدیره یا سازمان متبوع کتابخانه برسانند و فرد کارکنان کتابخانه باید از این خط مشی اطلاع داشته باشند.
- باید مسئولان روزنامه‌هایی که بیشتر مورد مطالعه جامعه کتابخانه قرار می‌گیرد و نیز نشریات داخلی سازمانهای متبوع کتابخانه به طور منظم از خط مشی های کتابخانه در مورد انتخاب مواد آگاه شوند و از آنها خواسته شود مطالبی در این باره بنویسند.
- پرونده ای شامل سابقه و دلیل انتخاب کتابها و دیگر مواد، خصوصاً موادی که ممکن است تهیه آنها سوال برانگیز باشد، در بایگانی نگهداری کنند.
- روش کاملاً مشخصی درباره نحوه دریافت اعتراضها و چگونگی رسیدگی و پاسخگویی به آنها در پیش گیرند.
- برای برقراری ارتباط و تفاهم با جامعه و سازمانهای اجتماعی، سیاسی، علمی، فرهنگی و مذهبی کشور کوشش کنند.

سانسور مخفی

منظور از سانسور مخفی این است که مراجعه کننده را به طرق مختلف از دسترسی آزاد به کتابی که در مجموعه است محروم کنند. این نوع سانسور گاه ممکن است به دست کتابدار یا یکی از کارکنان کتابخانه و به دلیل عقاید شخصی خویش قرار می‌گیرد. در آموزش کتابداری باید به دانشجویان بیاموزند که حرفه کتابداری آنان را در برابر اصل آزادی فکر و اندیشه متعهد تر می‌کند (سینائی، ۱۳۷۸، ۴۲).

انگیزه‌های سانسور

عمل سانسور در کتابخانه‌ها بیشتر با اغراض سیاسی، مذهبی، اخلاقی و فرهنگی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر کتابدار مسئول مجموعه سازی ممکن است بر اساس دستورالعمل‌های اداری تعدادی از منابع اطلاعاتی را از مجموعه خارج کند یا از دسترسی افراد خاص دور نماید یا اصلاً اقدام به تهیه آن ننماید. کار سانسور بیشتر در کتابخانه‌های عمومی و آموزشگاهی صورت می‌پذیرد و در کتابخانه‌های تخصصی و آموزشگاهی کمتر اتفاق می‌افتد. گاهی کتابدار با انگیزه‌های شخصی ممکن است بخشی از منابع اطلاعاتی را تهیه نکند. گاهی نیز کتابداران به دلیل محدودیت‌های مالی، فضا و حجم زیاد انتشارات و نیز بر اساس ملاک‌هایی ویژه به انتخاب بعضی از منابع و حذف منابع دیگر می‌پردازند. به عبارت دیگر انگیزه‌های سانسور و انتخاب کاملاً متفاوت هستند. عمل سانسور در کتابخانه‌ها موافقان و مخالفان زیادی دارد. بیانیه‌های مختلفی که از سوی انجمن‌های کتابداران و ناشران و سایر نهادهای ملی و بین‌المللی در خصوص آزادی مطالعه و جریان آزاد اطلاعات منتشر شده است را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد. (محسنی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۹).

سانسور در حال حاضر

با گسترش دنیای ارتباطات و اینترنت، امکان سانسور برهنه و به‌کارگیری روش‌هایی آشکار برای اختلال در ارتباطات دشوار شده است. از این‌رو، گرایش جاری به کنترل چگونگی ایجاد پیام و فهم آن است. این نوع کنترل نمود خارجی ندارد. کوشش برای سانسور نامحسوس در فرایند پیچیده ارتباطات با تعیین فیلترهای گوناگون انجام می‌گیرد. یکی از معروف‌ترین این فیلترها، مفهوم "دروازه‌بانی" است که برای نخستین بار توسط کورت لویین به‌کار رفت. به‌نظر او مجراهایی وجود دارد که اخبار از آنها می‌گذرد. در این مجراها نقاطی وجود دارد که همچون در ورودی عمل می‌کنند و فقط برای برخی اخبار گشوده می‌شود و برخی را طرد و غیرقابل پخش تلقی می‌کند در اهمیت کار دروازه‌بانان همین بس که به گفته مسئول آموزش خبرنگاران بنگاه خبرپراکنی بریتانیا (بی‌بی‌سی)، از میان دو میلیون کلمه خبری که به اتاق خبر بی‌بی‌سی وارد می‌شود فقط بیست هزار کلمه انتخاب و مخابره می‌شود. دروازه‌بانان از شیوه‌های مختلفی برای اختلال در ارتباط و تحریف آن استفاده می‌کنند. تافلر روش‌های دستکاری اطلاعات را شرح داده است. برخی از این روش‌ها عبارتند از: حذف، کلی‌بافی، زمان‌بندی، قطره‌چکانی، موج، تیخیر، بازگشتی، دروغ بزرگ، و وارونه‌سازی. استفاده روزافزون فرزندان از پایگاه‌های اطلاعاتی و اینترنت، نگرانی‌های بسیاری برای خانواده‌ها ایجاد کرده است. دولت‌ها، مراکز اطلاع‌سازی، و مربیان و خانواده‌ها برای رفع این نگرانی‌ها در پی راه‌حل مناسب هستند. در اینترنت فرستندگان اطلاعات بسیارند و تمامی افرادی که به اینترنت دسترسی دارند از طریق پست الکترونیکی، جلسات مباحثه، اتاق‌های گفت‌وگو، و جست‌وجو در موتورهای کاوش می‌توانند به پیام‌های "مطلوب" و "نامطلوب" بسیار دسترسی یابند. امروزه، بسیاری از کشورها تحت‌عنوان "پاکسازی فضای اینترنت"، حرکتی را آغاز کرده‌اند که به‌شدت مورد انتقاد طرفداران آزادی بیان قرار گرفته است.

مقامات دولتی و مدیران بخش خصوصی تضمین ایمنی و سلامت کار و امنیت اطلاعات مالی و جلوگیری از اغفال و سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان را از دلایل اعمال سانسور توسط خود در اینترنت اعلام می‌دارند و مدعی "سالم‌سازی و افزایش ضرب ایمنی گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی در فضای اینترنت آنقدر حائز اهمیت است که باید آزادی بیان در اینترنت را فدای آن کرد". اما بسیاری منتقدان این دلایل را بهانه‌هایی برای کنترل ارتباطات اینترنتی و حذف دموکراسی و آزادی بیان در اینترنت می‌دانند.

نخستین اقدام برای کنترل و سانسور اینترنت به سال ۱۹۹۵ برمی‌گردد، یعنی هنگامی که کنگره ایالات متحده آمریکا قانونی در این زمینه تصویب کرد. هدف این قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و جلوگیری جدی از انتقال مضماین زشت و زننده و خشونت بار در شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت بود و در صورت نقض قانون فوق، جریمه‌ای به‌میزان ۲۵۰۰۰۰ دلار و ۲ سال حبس در نظر گرفته می‌شد. این قانون، یک‌سال بعد از تصویب، خلاف قانون اساسی تلقی و لغو شد. امروزه به‌کمک برنامه‌های نرم‌افزاری سانسورکننده نظیر Cyber Patrol, Cyber Snoop, Net Nanny، و مانند آن، سانسور اینترنتی صورت می‌گیرد. این برنامه‌ها بعد از ارائه فهرستی از مراکز یا شبکه‌های وب که از لحاظ

بخش مضامین زشت و زنده شهرت دارند، فهرستی از کلیدواژه‌هایی را که مستهجن تلقی می‌شوند در اختیار کاربران قرار می‌دهند.

تقریباً همه نرم‌افزارهای سانسورکننده در سه طبقه قرار می‌گیرند: مسدودساز، صافی‌گذار (فیلترینگ)، و نظارت‌گر. شرکت‌هایی که نرم‌افزار مسدودساز می‌فروشند در نرم‌افزار خود یک پایگاه اطلاعاتی حاوی فهرست خدمت‌دهنده‌های اینترنتی با محتواهای مضر برای کودکان دارند و آن را همواره روزآمد می‌سازند. برنامه‌های نظارت‌گر سعی در مسدود و محدودسازی دسترسی ندارند. بلکه از فعالیت‌های کودکان به هنگام کار با اینترنت، پایگاه‌های وب و نشانی‌های پست الکترونیکی استفاده شده توسط آنان، گزارش تهیه می‌کنند. وقتی فرد به ناحیه‌های غیرمجاز وارد می‌شود این برنامه‌ها هشدار می‌دهند و با نامه الکترونیکی هشدار ارسال می‌کنند. اکثر برنامه‌های سانسورکننده دسترسی افراد را به اتاق‌های گفت‌وگو و پایگاه‌های اطلاعاتی غیراخلاقی محدود و مسدود می‌کنند و اجازه ارسال فایل به دیگران را از طریق اینترنت نمی‌دهند (خسروی ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

سانسور عبارتست از سیاست محدود کردن بیان افکار و عقاید و مقررات و محرک‌هایی که واقعاً یا احتمالاً قصد دارند قدرت حاکم یا نظم اخلاقی را که قدرت حاکم خود را موظف به حفظ و حمایت از آن می‌داند زیرورو کنند. سانسور بر چند گونه است: پیشگیرانه (پیش از انتشار)، پیگیرانه / تعقیبی (پس از انتشار)، اقتصادی، خودسانسوری و سانسور رسمی و غیر رسمی. در نوع دیگری از سانسور به نام سانسور مخفی، مراجعه کننده را به طرق مختلف از دسترسی آزاد به کتابی که در مجموعه است محروم می‌شود. در خدمات کتابداری سانسور می‌تواند در مرحله مجموعه سازی، سازماندهی و امانت رخ دهد. در حال حاضر پدیده سانسور تقریباً در بر گیرنده نرم‌افزارهای سانسورکننده اعم از مسدودساز، صافی‌گذار (فیلترینگ)، و نظارت‌گر می‌باشد.

با گذری بر تاریخچه و کاربرد سانسور، در می‌یابیم محدودیت بیان در شکل‌های مختلف در همه جوامع وجود داشته است. محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های مذهبی، اخلاقی، سیاسی و .. در طول تاریخ بشر از کانون‌های مختلف اجتماعی بر صورت‌های بیان مکتوب و غیرمکتوب اعمال شده است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که سانسور به معنای عام خود، یکی از پایدارترین پدیده‌های اجتماعی و امری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- خسروی، فریبرز. ۱۳۸۸. سانسور. <http://portal.nfai.ir/daka> (دسترسی در ۱۳۸۸/۲/۱۸)
- دایره‌المعارف فارسی / به سرپرستی غلامحسین [مصاحب]. ج ۱.
- سینائی، علی. ۱۳۷۸. مجموعه سازی در کتابخانه‌ها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- رجب زاده، احمد. ۱۳۸۰. ممیزی کتاب: پژوهشی در ۱۴۰۰ سند ممیزی کتاب در سال ۱۳۷۵. تهران: کویر.
- محسنی، حمید. ۱۳۸۲. مجموعه سازی و خدمات تحویل مدرک. تهران: نشر کتابدار.
- Abraham, Henry J. 1968. "Censorship", International Encyclopedia for the Social Sciences.